خبر روز

شهادت مامور یگان تکاوری در درگیری با تروریست‌ها

فرمانده انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان گفت: در درگیری ماموران یگان تکاوری ۱۱۲ عمار ایرانشهر با گروهکی تروریستی یک نفر از تروریست‌ها به هلاکت رسید و یکی از مأموران جان برکف پلیس به فیض شهادت نایل شد. به گزارش جام‌جم، سردار احمد طاهری در تشریح جزئیات این خبر اظهار داشت: مأموران یگان تکاوری ۱۱۲ عمار ایرانشهر هنگام گشت‌زدن برای تامین امنیت در محورهای مواصلاتی در حوالی روستای خیرآباد، از توابع این شهرستان مورد حمله گروهکی تروریستی قرار می‌گیرند. این گروهک با سلاح کلاش اقدام به تیراندازی به سمت خودروی یگان تکاوری می‌کند که به حریق و انفجار خودرو منجر می‌شود و ستوان سوم محسن رضایی، از مأموران جان برکف پلیس استان به فیض شهادت نایل می‌گردد. وی با اشاره به هجمه سنگین آتش و درگیری مسلحانه با تروریست‌های کوردل افزود: ماموران با رشادت و ایستادگی گروهک تروریستی را زمینگیر کردند و یک نفر از تروریست‌ها را به هلاکت رساندند. طاهری با اشاره به حمله ناجوانمردانه و غافلگیرانه گروهک تروریستی به ماموران یگان تکاوری خاطرنشان کرد: در این حمله متاسفانه یکی از مأموران پلیس شهید و سه همکار پرتلاش دیگر مجروح شدند. پس از پایان درگیری از این گروهک یک دستگاه پژو ۴۰۵ سرقتی و دو قبضه سلاح کلاش با تعداد زیادی فشنگ جنگی و یک قبضه سلاح آرپی‌جی ۷ با دو پرتابه و خرج کشف شد.

نظمیه

پایان ۱۹ ماه زندگی مخفیانه قاتل مرد رمال

مرد افغان که پس از قتل یک رمال در مشکین‌دشت استان البرز به افغانستان فرار کرده بود، بعد از ۱۹ ماه در تهران شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر دهمین روز فروردین سال ۱۴۰۰ زنی هراسان با پلیس ۱۱۰ البرز تماس گرفت و از ورود زن و مردی به خانه‌شان و حمله مرگبار آنها به همسرش خبر داد. پس از این تماس تیمی از ماموران همراه بازپرس جنایی در محل قتل حاضر شدند. در جریان بررسی‌های اولیه مشخص شد مقتول مردی افغان و رمال بوده که به دلیل اصابت ضربه قمه به سینه‌اش، به قتل رسیده بود. همسر مقتول که شاهد این جنایت بود، گفت: «شوهرم در یک کارواش کار می‌کرد و امروز به دلیل این‌که مهمان داشتیم، زودتر به خانه آمده بود. حدود ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه صدای زنگ در بلند شد. همسرم در را که باز کرد، زن و مردی از هموطنان ما، وارد خانه شدند. زن جوان به شوهرم اشاره کرد و گفت که همین مرد زندگی‌ام را نابود کرد. بعد هم قمه‌ای را که زیر مانتویش بود، بیرون آورد و به شوهرش داد. شوهر خشمگین او هم با قمه ضربه‌ای به همسرم زد و بعد فرار کردند.»

پس از این شکایت، تیمی از ماموران پلیس آگاهی فردیس با دستور دادستان این شهر، تحقیق برای رازگشایی این جنایت را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد، مقتول در یک کارواش در مشکین‌دشت کار می‌کرد و علاوه بر آن در خانه‌اش رمالی هم می‌کرد.

تیم جنایی خیلی زود هویت زوج متهم را شناسایی کرد و برای دستگیری آنها وارد عمل شد اما ردی از آنها به دست نیامد. تحقیقات بیشتر نشان داد، مرد افغان با نقشه‌ای حساب شده قبل از قتل، مقدمات فرارش از کشور را فراهم کرده و با کشتن مرد رمال از ایران گریخته است. بررسی‌ها برای دستگیری قاتل ادامه داشت تا این‌که چند روز قبل کارآگاهان دریافتند قاتل بعد از این جنایت از همسرش جدا شده و با زن دیگری ازدواج کرده است. او به خیال این‌که ماجرا فراموش شده، به ایران برگشته و با همسر جدیدش در تهران زندگی می‌کرد. با شناسایی مخفیگاه متهم به قتل، ماموران پلیس آگاهی فردیس راهی آنجا شده و با دستور قضایی مرد افغان را دستگیر کردند. او پس از انتقال به پلیس آگاهی به قتل اعتراف کرد و گفت: «مرد رمال زندگی‌ام را به هم ریخته بود و از او کینه داشتم. به همین دلیل سراغش رفتم و او را کشتم. بعد هم به افغانستان گریختم.» سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به تکمیل پرونده و ارسال آن به همراه متهم به مراجع قضایی، خاطرنشان کرد: «شهروندان در صورت بروز مشکل در زندگی به جای اقدامات خودسرانه از طریق مراجع انتظامی و قضایی طرح شکایت کرده و از اقدامات خودسرانه خودداری کنند.»

۲ چوپان از حمله خرس به‌طور معجزه‌آسا نجات پیدا کردند

پنجه در پنجه خرس

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

دو مرد جوان از روستای نازی، بخش بازفت شهرکرد، هدف حمله یک قلاده خرس قرار گرفتند و تا پای مرگ پیش رفتند اما با هوشیاری و اقدام به‌موقع، خرس را فراری دادند. هر دو مرد درحالی‌که جراحت‌های عمیقی برداشته بودند، به بیمارستان منتقل شدند و تحت مداوا قرار گرفتند.

صبح روز یکشنبه بود که علی و احسان اسدی که از اقوام یکدیگر هستند، تصمیم گرفتند گوسفندان خود را برای چرا به ارتفاعات ببرند، غافل از این‌که حادثه‌ای مرگبار در انتظار آنان بود. علی اسدی که ۴۲ ساله است، از روز حادثه برای جام‌جم توضیح می‌دهد: «ما چادرنشین و عشایر هستیم و آن روز دونفری، گوسفندان‌مان را برای چرا به کوه بردیم. در حال راه‌رفتن بودیم که ناگهان سروکله یک خرس پیدا شد و همان لحظه به احسان حمله کرد و برخی از قسمت‌های بدنش را به‌شدت گاز گرفت. خرس سر احسان را به‌طورکامل در دهانش برده و دندان‌هایش را داخل گوشت سر او فرو کرده بود. علاوه بر سر، قسمت داخلی ران و سمت لگن احسان هم به‌شدت زخمی شد. من که شاهد حادثه بودم، به سمت احسان که ۲۳ - ۲۲ ساله است رفتم تا به او کمک کنم اما خرس این‌بار به من حمله کرد و دست و آرنج و کتفم را گاز گرفت. شاید حدود دو دقیقه با خرس درگیر بودیم اما حیوان دست‌بردار نبود. اوضاع آن‌قدر وحشتناک بود و به‌شدت ترسیده بودیم. الان که فکر می‌کنم درست یادم نمی‌آید چه اتفاقی افتاد. خدا خیلی به ما رحم کرد که زنده ماندیم. در تمام آن لحظات فقط به این فکر می‌کردم که احسان را نجات دهم. بعد از مدتی درگیری، وقتی دیدیم خرس دست‌بردار نیست، با صدای بلند شروع به داد و فریاد کردیم که خوشبختانه خرس ترسید و فرار کرد. بعد از فرار خرس، احسان شرایط خوبی نداشت و اصلا نمی‌توانست راه برود اما من مشکل چندانی در راه‌رفتن نداشتم. با یکی از اقوامم تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.»

داریوش، برادر احسان در ادامه می‌گوید: «در تماس با ما گفتند خرس به آنها حمله کرده و گازمان گرفته است. احسان نمی‌تواند راه برود و به کمک نیاز دارد. با این خبر، با یکی از عموهایم به محل حادثه رفتیم. نیم‌ساعتی طول کشید تا به آنجا برسیم. بعد هم هلال احمر آمد و مصدومان به پایین کوه منتقل شدند. به گفته پدران‌مان، شاید ۳۰ - ۲۰ سال پیش خرس در این منطقه به انسان حمله کرد و بعد از آن این اتفاق نیفتاد تا وقتی که به این دو نفر حمله کرد.»

هر دو مصدوم حدود دو روز در بیمارستان بستری بودند و پس از بخیه‌خوردن زخم‌ها و درمان به خانه برگشتند. فرخنده اسدی، خاله احسان، در مورد آخرین وضعیت جسمی او می‌گوید: «احسان به‌شدت زخمی شده است. او به‌دلیل وحشتی که در آن لحظات تجربه کرده است، دچار لکنت زبان شده و نمی‌تواند به‌راحتی صحبت کند. کل سرش به خاطر گازگرفتگی خرس باندپیچی شده و توان انجام کاری را ندارد.» آن‌طور که علی می‌گوید، آنها به محیط زیست مرکز شهرکرد مراجعه کرده و موضوع را اطلاع دادند اما مسئولان در پاسخ گفتند اگر می‌خواهید شکایت کنید یا نکنید، میل خودتان است. اگر شکایت کنید برای خودتان دردسر درست می‌شود و مدام باید در رفت‌وآمد باشید. پاسگاه شهرکرد هم آمد و صورتجلسه کرد و رفت. خودمان هم تمام هزینه‌های درمانی را پرداخت کردیم و هیچ‌کس این ماجرا را پیگیری نکرد.» محمود شمسی‌پور، رئیس مرکز مدیریت حوادث دانشگاه علوم‌پزشکی شهرکرد درباره این حادثه گفت: «یک قلاده خرس در روستای نازی، بخش بازفت شهرستان کوهرنگ به دو جوان حمله و آنان را زخمی کرد که برای دریافت خدمات درمانی تکمیلی به بیمارستان سیدالشهدا(ع) فارسان منتقل شدند. این دو نفر از ناحیه دست و کمر دچار آسیب شدند.»

کوتاه از حوادث

پیگیری پلیس برای قتل مشکوک چند شهروند مهابادی

تحقیقات ویژه پلیس برای پیگیری موضوع قتل مشکوک چندین شهروند در تجمعات اخیر شهرستان‌های پیرانشهر و مهاباد آغاز شد. سرهنگ صادق شکری، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی به سایت پلیس گفت: مواردی از اصابت تیر به ماموران امنیتی و مردم از بین جمعیت معترضان در تجمعات اخیر در شهرهای متخلف این استان داشتیم و به همین منظور دستور ویژه برای پیگیری این موضوع صادر شده است.

گروه‌های ضد انقلاب و اشخاص مغرض از این فرصت به انحای مختلف استفاده و اقدام به قتل شهروندان می‌کنند که به همین منظور پلیس با دستور ویژه برای پیگیری این موضوع اقدام می‌کند. وی افزود: پلیس به‌جد در حال پیگیری و شناسایی قاتل یا قاتلان و عوامل تیراندازی متوفیان در تجمعات اخیر بوده و ابعاد حادثه تلخ فوت این افراد در حال بررسی است و باید از اظهارنظرهای خلاف واقع پرهیز شود.

رئیس پلیس آگاهی انتظامی آذربایجان غربی با اشاره به تلاش و دروغ‌پردازی‌های دشمن در این خصوص با استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی و سیاه‌نمایی برای تشویش اذهان عمومی و برانگیختن احساسات شهروندان خبر داد و از مردم خواست ضمن پرهیز از هر گونه توقف در محل‌های احتمال بروز تجمع و ناآرامی، در صورت مشاهده هرگونه افراد مسلح یا مجرمان سابقه‌دار سریعا موضوع را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

۵ کشته در تصادف خاور و پژو

تصادف کامیون خاور و پژو سواری در جاده اشتهارد منجر به مرگ پنج نفرشد. محمد باقر خلفی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان البرز به ایسنا گفت: این حادثه در جاده اخترآباد محدوده شهرستان اشتهارد رخ داد و امدادگران هلال احمر به محل حادثه اعزام شدند. سرنشینان خودروی سواری پژو دو مرد، دو خانم و یک کودک بودند که در صحنه حادثه فوت شدند. راننده خاور نیز مصدوم شد. علت حادثه توسط کارشناسان پلیس راه البرز در دست بررسی است.

قتل پسر نوجوان در درگیری دسته جمعی

درگیری دسته‌جمعی در یکی از محله‌های شهر ملایر منجر به قتل پسر نوجوان شد. سرهنگ احمد ساکی، فرمانده انتظامی شهرستان ملایر استان همدان به مهر گفت: دو شب قبل در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره درگیری دسته‌جمعی در خیابان شهدا در ملایر ماموران کلانتری ۱۱ به محل اعزام شدند.

در جریان تحقیقات معلوم شد که چند جوان که سوابق کیفری داشتند، به علت اختلافات شخصی با برنامه و قرار قبلی ابتدا در میدان شهید جوکار حاضر و با یکدیگر درگیر شدند. پس از تعقیب و گریز یکدیگر در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان شهدا، یکی از آنها پسری ۱۷ ساله را با چاقو زخمی کرد که او بعد از انتقال به بیمارستان امام حسین (ع) فوت شد. متهمان که متواری شده بودند بازداشت و عامل قتل هم در یکی روستاهای اطراف ملایر بازداشت شد. معلوم شد متهم به قتل به انگیزه اختلاف شخصی آن نوجوان را کشته است.

۲ کشته در درگیری خیابانی

درگیری شخصی در یکی از خیابان‌های پلدختر منجر به مرگ دو نفر شد. حمید خادم، فرماندار پلدختر استان لرستان به ایلنا گفت: ساعت یک بامداد دوشنبه درگیری خیابانی در منطقه میدان شهید بهشت شهرستان پلدختر رخ داد. در این حادثه یک نفر به علت مشکلات شخصی و اختلافات قبلی با سلاح شکاری ساچمه‌زنی به سه نفر تیراندازی کرد که منجر به قتل دو نفر و بستری شدن نفر سوم در بیمارستان شد. قاتل متواری شده و ماموران در تلاش برای دستگیری او هستند.

توقیف نفتکش خارجی حامل سوخت قاچاق

یک فروند نفتکش خارجی حامل ۱۱ میلیون لیتر سوخت قاچاق توسط نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس توقیف شد.

مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان به میزان گفت: در راستای اجرای دستور قضایی، دلاورمردان منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نسبت به توقیف یک فروند نفتکش خارجی حامل ۱۱ میلیون لیتر سوخت قاچاق در آب‌های خلیج فارس اقدام کردند. ارزش محموله این نفتکش بالغ بر ۲۲۰ میلیارد تومان است. توقیف شناور مذکور پس از یک ماه کار دقیق فنی و اطلاعاتی انجام شده است.

وی با اشاره به تشکیل پرونده در خصوص تخلفات شناور مذکور و ارجاع آن به بازپرس ویژه خاطرنشان کرد: کاپیتان و خدمه این نفتکش خارجی نیز برای تکمیل روند تحقیقات و سیر مراحل قانونی در بازداشت به سر می‌برند.

اتفاقیه

تلاش زن جیب‌بر برای اثبات بی‌گناهی دختر دانشجو

بی‌گناهی دختر دانشجو که به اتهام سرقت بازداشت شده بود، با ادعای زن جیب‌بر و دستگیری دزدان اثبات شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مریم ۳۵ ساله و معتاد به شیشه با فرار از خانه در دام افراد خلافکار گرفتار گردید و برای گذران زندگی‌اش کلکسیونی از جرایم را مرتکب شد. او به اتهام جیب‌بری در اتوبوس و مترو از سوی پلیس تحت تعقیب بود تا این که هفته گذشته بازداشت شد. او ابتدا منکر جرایمش بود اما فیلم دوربین‌های مداربسته که صحنه سرقت‌هایش را ضبط کرده بود راز جرایمش را فاش کرد. او با دختر جوان دانشجویی در بازداشتگاه آشنا شد که چند هفته‌ای می‌شد به عنوان مظنون در سرقت از خانه پیرمردی پولدار بازداشت شده بود. مریم با شنیدن حرف‌های دختر دانشجو متوجه نکته و موضوعی شد؛ یکی از دوستانش به نام مینا با همدستی پسر مورد علاقه‌اش و مردی دیگر به خانه آن پیرمرد دستبرد زده بودند.

زن جیب‌بر موضوع را به پلیس اطلاع داد و اعلام کرد که سارقان افراد دیگری هستند و این دختر دانشجو بیگناه است. با بررسی این ادعا و دستگیری دو نفر از سارقان، بیگناهی دختر دانشجو ثابت و او آزاد شد.

یکی از دزدان به نام مینا در تحقیقات گفت: درخانواده‌ای معتاد و خلافکار بزرگ شدم و همین باعث شد معتاد شوم. در رفت و آمدهایم به پاتوق افراد خلافکار، روش‌های سرقت، زورگیری، جیب‌بری و گوشی قاپی را یاد گرفتم و با ارتکاب آن هزینه زندگی‌ام را تامین می‌کردم. چند مرتبه به زندان افتادم و آخرین بار پس از آزادی با شهاب که دزدی خلافکار بود، آشنا شدم. با او و دوستش فرید به خانه‌های شمال تهران رفته و با تخریب قفل خانه‌ها، طلا و سکه و اموال قیمتی را سرقت می‌کردیم.

وی افزود: در جریان یکی از سرقت‌ها وارد خانه‌ای شدیم که یک پیرمرد پولدار مبتلا به آلزایمر در آنجا زندگی می‌کرد. دست وپای او را بستیم و اموال قیمتی، طلا و سکه را از خانه‌اش سرقت کردیم. او مرا به جای پرستارش اشتباهی گرفت و نام او را صدا می‌کرد.

با اعتراف او مردی که همدستش بود نیز به سرقت‌های سریالی از خانه‌ها اعتراف کرد و دیگر همدست فراری‌شان هم تحت تعقیب قرار گرفت.

عدلیه

مرگ ۲ جوینده گنج در عمق چاه

گنج نفرین‌شده ۲ قربانی گرفت

حفاری چهار دوست در زیرزمین خانه قدیمی برای یافتن گنج، جان دو نفر از آنها را در عمق چاه گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی تهران تماس گرفت و اطلاع داد دوستانش در حال تعمیر زیرزمین خانه ویلایی قدیمی در شرق تهران بودند که در چاه گرفتار شدند. درادامه آتش‌نشان‌ها برای نجات آن دو به محل اعزام شدند و مشاهده کردند چاه عمیقی در زیرزمین خانه حفر شده و ریزش دیواره، آنها را در چاه محبوس کرده است. نیروهای امدادی دو شبانه‌روز تلاش کردند تا توانستند به بخش انتهایی چاه برسند، بعد اجساد دو مرد گرفتار را بیرون آوردند. کارشناسان آتش‌نشانی در بررسی‌های اولیه اعلام کردند به نظر می‌رسد آنها بر اثر گازگرفتگی جان باخته‌اند.

ماموران در بازرسی بعدی در همان محل، بیل، کلنگ، دستگاه گنج‌یاب و گونی‌های خاک پیدا کردند. به نظر می‌رسید قربانیان در آن محل در جست‌وجوی گنج بودند.

با تحقیقات اولیه از دو دوست جانباختگان، آنها مدعی بودند خانه نشست داشته و در حال تعمیرات بودند که این حادثه رخ داده است و آنها دنبال گنج نبوده‌اند.

پرونده‌ای نزد قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران با دستور قضایی وی آغاز شد. در نخستین گام از تحقیقات جنایی، دو دوست قربانیان حادثه بازداشت شدند.

آنها دیروز در جریان تحقیقات قضایی در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران راز حفاری مرگبار را فاش کردند. وحید یکی از متهمان در اظهاراتش گفت: میلاد و سعید از دوستانم بودند. خانه متعلق به میلاد بود. او چند ماه قبل هنگام تعمیر طاقچه خانه قدیمی‌اش، برگه‌ای از میان آجرهای قدیمی پیدا کرد که شبیه نقشه گنج بود.

در آن نقشه مسیر حفاری مشخص شده بود. سراغ ما سه نفرآمد و با بازگوکردن ماجرا برای خارج‌کردن گنج کمک خواست. می‌گفت گنج در زیرزمین خانه ویلایی دفن است. قبول کردیم با او همراه شویم. به خانه‌اش رفتیم. زیرزمین را با دستگاه گنج‌یاب بررسی کرده و توانستیم محل دفن گنج را پیدا کنیم. دو ماه حفاری کردیم و به نزدیکی گنج در عمق چاه رسیده بودیم. روز حادثه، صاحبخانه به عمق چاه رفت و بعد از چند دقیقه از طریق بی‌سیم به ما خبر داد به سمتی پرت شده و نمی‌تواند حرکت کند. دوست دیگرمان برای کمک وارد چاه شد و ما منتظر علامت آنها بودیم تا طناب را بالا بکشیم و دوستان‌مان را بیرون بیاوریم.

متهم ادامه داد: دقایقی از حضور وحید در چاه نگذشته بود که ناگهان دیواره داخل چاه ریزش کرد و هردو محبوس شدند. سعی کردیم با کنار زدن خاک آنها را بیرون بیاوریم و نجات‌شان دهیم که نشد. از آتش‌نشانی کمک گرفتیم که بعد از دو روز اجساد آنها را بیرون آوردند. انگار گنج نفرین‌شده بود.

همدست بازداشت‌شده این متهم نیز گفته‌های او را تایید کرد و برای‌شان قرار قانونی صادر شد.

محکمه

محاکمه مجدد عروس اسیدپاش

عروس جوان که متهم است روی خواهرشوهرش اسید ریخته، با ایراد به حکم دیه‌اش دوباره در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار «جام‌جم»، رسیدگی به این پرونده از تابستان ۹۵ و با گزارش اسیدپاشی روی یک زن در جنوب تهران آغاز شد. ماموران با حضور در محل حادثه، متوجه شدند زن اسیدپاش قبل از این‌که فرصتی برای فرار پیدا کند از سوی همسایه‌ها دستگیر شده است.

زن مجروح به بیمارستان منتقل شد و بعد از بهبود نسبی حالش در تشریح ماجرا گفت: «در خانه برادرم مهمان بودم. به اصرار برادرم شب را در آنجا ماندم. حوالی صبح یکدفعه با احساس سوزش شدید در صورتم بیدار شدم و بعد فردی را دیدم که روی من اسید می‌پاشید؛ صورتش را ندیدم. او بعد از اسیدپاشی بدون توجه به فریادهای من از اتاق بیرون رفت. بعد از این‌که من را به بیمارستان آوردند باخبر شدم همسر برادرم روی من اسید ریخته بود.»

این در حالی بود که عروس خانواده به نام ملیکا، اتهامش را انکار کرد و گفت: من هیچ نقشی در این اسیدپاشی نداشتم و خواهرشوهرم دروغ می‌گوید ما با هم اختلافاتی داشتیم و من از این‌که او مورد توجه شوهرم قرار می‌گیرد، ناراحت بودم اما آسیبی به او وارد نکردم.

با توجه به شکایت قربانی و مدارک موجود در پرونده، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد. متهم در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه رسیدگی، شاکی در جایگاه قرار گرفت و بار دیگر شکایتش را مطرح کرد و گفت: من و برادرم رابطه خوبی داشتیم و ملیکا به ما حسادت می‌کرد. او با این کار قصد انتقام داشت. حالا صورتم به شدت آسیب‌دیده و موهایم در حال ریختن است. برای متهم درخواست قصاص دارم. برادرم لباس‌هایی که روز حادثه بر تن متهم بوده و با اسید سوخته را در کمد پیدا کرده است.

وقتی نوبت به متهم رسید، او اتهام را رد کرد و گفت: همه این حرف‌ها دروغ است و من عامل اسیدپاشی نبودم. از حرف‌هایی که او می‌زند خبر ندارم و کاری نکردم. از روز حادثه به بعد که بازداشت شدم شوهرم و خانواده‌اش اجازه نمی‌دهند فرزندم را ببینم. بی‌گناهم و بی‌دلیل در زندان هستم. پس از دفاعیات عروس اسیدپاش، قضات وارد شور شده و با توجه به نظر پزشکی قانونی که اعلام کرده بود در قصاص رعایت تساوی امکان‌پذیر نیست عروس جوان را به پرداخت دیه و ۱۰ سال زندان محکوم کرد. متهم در ادامه درخواست قسطی شدن دیه را داد که این درخواست مورد موافقت دادگاه قرار گرفت.

در ادامه صندوق تامین دیه خسارات بدنی به این رای ایراد گرفت و ملیکا دوباره در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. در ابتدای این جلسه نماینده صندوق تامین دیه خسارات بدنی گفت: «مبلغ دیه باید براساس آسیب کلی به قربانی محاسبه شود اما قضات اعلام کردند پرداخت دیه باید براساس هر عضو آسیب‌دیده و به تفکیک پرداخت شود. به همین دلیل درخواست رفع ایراد و محاسبه دوباره مبلغ دیه را دارم.»

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار دوباره اسیدپاشی گفت: «دیگر تحمل حبس را ندارم. یکی از پاهایم فلج شده و نمی‌توانم زانویم را حرکت دهم. همسرم در این مدت مرا طلاق داد و با زن دیگری ازدواج کرد و اجازه نداد فرزندمان را ببینم. بنابه شرایطی که دارم به افسردگی مبتلا شده‌ام و توان پرداخت دیه را ندارم.»

در پایان قضات وارد شور شده تا درباره ایراد مطرح شده تصمیم‌گیری کنند.